

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۱، ص ۲۲۱-۲۴۶

تحلیلی بر مسأله تأثیر کاهش ارزش پول بر مهریه قرارداد آن از دیدگاه فقیهان

معاصر امامیه

منصوره غلامی^۱

امیراسماعیل رحمانی خلیلی^۲

محمد مهدی کریمی نیا^۳

امین مرادی علیعربی^۴

چکیده

تأثیر کاهش ارزش پول بر مهریه های نقدی موضوعی است که نیاز به بررسی های فقهی دارد. به علت اینکه در صدر اسلام نوع پول ها درهم و دینار و از جنس طلا و نقره بوده است، از ثبات نسبی ارزش در مقایسه با پولهای جدید برخوردار بوده اند. لذا ارزش پول در باره پول های امروزی که از جنس کاغذ بوده و اعتباری می باشند، مطرح است. پول وسیله ای برای پرداخت دیون است. در صورت کاهش ارزش آن، شخص مدیون باید مبلغی را بپردازد که از جهت عرفی بری الذمه محسوب شود. در خصوص مهریه های پولی نیز در

۱. سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر تطبیقی، مدرسه عالی تخصصی حوزوی ریحانة النبی (سلام الله علیهما)، اراک، استاد حوزه علمیه سطح سه (کارشناسی ارشد)،

در رشته علوم حوزوی، در مؤسسه آموزش عالی حوزوی ریحانة النبی (سلام الله علیهما)، اراک، استان مرکزی، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، نویسنده مسؤل،

Gholami۳۵۴@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه مفید، قم، استاد رشته فقه و مبانی، دانشگاه بین المللی هدی، قم، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

amirrh1363rh@gmail.com

۳. دارای مدرک سطح چهار (دکتری)، رشته فقه و اصول، از حوزه علمیه قم؛ و مدرک دکتری رشته «قرآن و علوم»، گرایش «قرآن و حقوق»، از دانشگاه جامعه

المصطفی (ص) العالمیه، قم، استان قم، ایران، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم،

kariminia@quran.ac.ir

۴. دانش آموخته حوزه علمیه قم، در سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآن، اشتغال به سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر و علوم قرآن، استاد

دانشگاه معارف اسلامی،

moradi.amin۲۰۱۶@gmail.com

صورت تأخیر در پرداخت آن و کاهش ارزش پول، فقها معتقدند که باید مهریه به نرخ روز محاسبه و پرداخت شود. البته در این خصوص اختلافاتی هم به خاطر مثلی و قیمی بودن پول مطرح است که برخی از فقها، تعدیل مهریه را قبول ندارند. لذا اگر ملاک را عرف بدانیم، مهریه به نرخ روز باید محاسبه شود. جمع آوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه ای بوده و از منابع اقتصادی و فقهی استفاده شده است. هدف از نگارش این تحقیق اولاً پاسخ به سؤال ذهنی خود محقق بوده و ثانياً بهره بردن دیگران در خصوص پرداخت دیونشان می باشد.

کلید واژه: پول، کاهش ارزش پول، تعدیل مهریه، پرداخت دیون

مقدمه

پول از مقوله های تأثیرگذار در حوزه اقتصاد و سیستم معیشتی مردم است و در مباحث فقهی نقش مؤثری داشته و در موضوع بحث ما نیز جایگاه ویژه ای دارد. علمای علم اقتصاد پول را وسیله مبادله و ذخیره ی ارزش های اقتصادی می دانند. پول در طول تاریخ تغییراتی داشته و در صدر اسلام درهم و دینار پول رایج بوده است. با توجه به ماهیت وجودی درهم و دینار، که از جنس طلا و نقره بودند، از ثبات لازم برخوردار بوده و نوسانات شدید و مستمر و فاحش نداشته است. در فرایند تحول پول، جوامع به تدریج اسکناس را به عنوان پول انتخاب کردند. پول های قدیمی حقیقی بودند، اما پولهای امروزی اعتباری می باشند. در شرایط تورمی و به علت پایین بودن هزینه چاپ و انتشار آن توسط دولتها، مرتباً ارزش آن در حال کاهش بوده و در پس اندازهای طولانی، ارزش آن به سمت صفر میل می کند.

از آنجا که یکی از وسایل پرداخت دیون پول می باشد، با وجود کاهش ارزش آن این سؤال مطرح است که شخص مدیون اگر در پرداخت دین تأخیر کند، در چه صورت بری الذمه می شود؟ آیا همان مبلغ روز مدیونی یا مبلغ روز پرداخت؟

در پاسخ این سؤال با جوابهای مختلفی از سوی فقها مواجه خواهیم شد که این اختلاف ناشی از نظریه مثلی یا قیمی بودن پول است، که محقق با توجه به نظر برخی از فقها تشخیص مثلی یا قیمی بودن را به عهده عرف می گذارد، همچنان که معتقد است وقتی می توان گفت شخص مدیون بری الذمه است که عرف او را مُبراً بداند.

در خصوص مهریه نیز چون مهریه دینی است به گردن زوج که با پرداخت آن بری الذمه می گردد؛ این سؤال مطرح است، که اگر مهریه زوجه نقدی باشد، در صورت کاهش ارزش پول و تأخیر زوج در پرداخت آن، چه تبعاتی را به دنبال دارد؟ و زوج با پرداخت چه مبلغی بری الذمه می شود؟ مبلغ روز عقد نکاح یا مبلغ روز پرداخت؟

محقق در پاسخ به این سؤال از کتب اقتصادی جهت تبیین ماهیت پول و کاهش ارزش آن و از کتب فقهی جهت تأثیر کاهش ارزش پول بر مهریه از منظر فقه بهره برده است.

۱. ماهیت و تعریف پول

پول در اصل کلمه ای یونانی است که از واژه لاتین پکوس (pecus) به معنای «گله» گرفته شده است. از کریستین سن نقل شده است که پول از زمان اشکانیان به ایران راه یافت و در ابتدا هر سکه برابر یک ششم درهم بوده است، ولی به مرور

زمان تمامی ابزارهای عمومی سنجش کالاها با ارزش‌های مختلف و انواع متفاوت مانند فلزی، کاغذی و غیره پول نامیده شده است.

احتمالاً کلمه «پول» و «پکوس» معادل «مالی» در زبان عربی است، زیرا در این زبان، «مالی» معمولاً در مورد گله‌ی شتر و گوسفند و امثال آن بکار برده شده و در مورد پول فلزی هم بکار رفته است.^۵ مثلاً در آیه شریفه:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»^۶

از اموالشان صدقه (زکات) بگیر؛

منظور از کلمه «اموال»، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، کشمش، خرما، طلا و نقره است.

در صدر اسلام در سرزمین‌های اسلامی چهار نوع پول: دینار، درهم، ورق و فلوس رایج بوده است که دینار، سکه طلا و درهم، سکه نقره بود. ورق از جنس درهم و پول خُرد آن محسوب می‌شد؛ فلوس نیز از پول خُرد بود که دارای ارزش ناچیزی بوده است. ولی امروزه در زبان عامیانه عربی به همه‌ی انواع پول، «فلوس» گفته می‌شود.

به هرحال در تعریف پول گفته‌اند: «پول وسیله و ابزاری جهت تسهیل مبادله و پرداخت برای کالاها و خدمات مورد نیاز و بالاخره تسویه بدهی‌ها است».^۷

«و هر چیزی که به طور کلی در محدوده نسبتاً معین در مبادله در مقابل اشیای دیگر پذیرفته می‌شود، پول است».^۸

اقتصاد دانان، پول یا معادل آن یعنی «عرضه پول» را بدین گونه تعریف می‌کنند: «هر چیزی که در ازای کالاها یا خدمات یا برای باز پرداخت بدهی‌ها مورد قبول واقع شود». پول رایج کشور که به صورت سکه و اسکناس است، در چهارچوب این تعریف می‌گنجد و نوعی پول به حساب می‌آید. هنگامی که بیشتر مردم در باره‌ی «پول» صحبت می‌کنند، در باره‌ی پول رایج کشور حرف می‌زنند. برای مثال، اگر کسی نزد شما بیاید و با اسلحه به شما اخطار کند «پولهایتان را بدهید، یا جانتان در

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ص ۶۳۶

۶. توبه، ۱۰۳

۷. مرتضی قره باغیان، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، ص ۵۳۵

۸. منوچهر فرهنگ، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، ج ۲، ص ۱۳۶۹

خطر است» بی تردید شما به سرعت تمام اسکناسها و سکه هایی را که نزد خود دارید به او خواهید داد و تردیدی نیست که در چنین زمانی از او نمی پرسید: «پول چیست؟ یا مقصود شما از پول چیست؟»^۹

آیت الله سیدحسین شمس در باره ماهیت پول می گوید: «پول مال است و مال بودن آن برای سهولت در امر معاملات، اعتبار شده است و تفاوتی با دیگر اموال ندارد. به همین سبب، هم مورد رغبت مردم و هم به عنوان مال موضوع احکام فقهی قرار گرفته است، و هیچ شباهتی با حواله و امثال آن ندارد»^{۱۰}

آیت الله مرتضوی لنگرودی پول را دو گونه می داند: الف- پولی که قطع نظر از اعتبار حکومتی، ارزشی مالی دارد؛ مانند پولی که از سیم و زر و دیگر فلزات گرانبها، به دستور حکومت ساخته شده و رایج می گردد. بنابراین، طلا و نقره ی مسکوک (درهم و دینار) بدون در نظر گرفتن ارزش و اعتبار مسکوک بودن آن، نیز نزد مردم اعتبار دارد و می توان آن را به فروش رساند؛ گرچه ممکن است ارزش ماده ی فلزی آن کمتر یا بیشتر از مسکوک آن باشد؛ ب- گونه ی دوم، پولی است که ارزش آن وابسته به اعتبار حکومت است، مانند اسکناس. این دسته از پول ها بدون حمایت دولت، بهایی ندارند و مال بودن آنها بسته به اعتباری است که در سایه حکومت بدست می آورند. بنابراین پول به هر دو گونه ی آن، مالیت عرفی دارد. و مانند حواله نیست. از این رو، پول در صورتی که به دست طلبکار داده شود، حق او که بر عهده ی بدهکار بود، ساقط می شود؛ هرچند پس از گرفتن، تلف شود و از بین برود. حواله از این لحاظ با پول فرق دارد؛ زیرا اگر پیش از آن که وجه آن دریافت شود، تلف گردد، حق طلبکار ساقط نمی شود، گرچه حواله در دست طلبکار از بین رفته باشد.^{۱۱}

بحث مال بدون یا نبودن پول یکی از جهات مهمی است که نتیجه ی آن در تعیین ماهیت پول نقش به سزایی دارد. اگرچه گفتار عالمان و دانشمندان در این باب متفاوت و گاه متناقض است، تا جایی که برخی حتی اصل مالیت پول را نفی کرده و معتقدند که پول های فعلی، حواله، رسید بدهی یا سند هستند. بعضی هم معتقد به مالیت اعتباری آن هستند. ولی آنچه به نظر می رسد این است که در مالیت پول، از نظر عرف و عقلاً تردیدی نیست. با توجه به مشخصه های اصلی پول، ماهیت آن قطعی خواهد بود.

۹. فردریک میشکین، پول، ارز و بانکداری، ترجمه علی جهانی و علی پارساییان، ص ۶۱

۱۰. رک: سیدحسین شمس، احکام فقهی پول (مصاحبه)، ج ۱، ص ۳۱، مجله فقه اهل بیت، قم، ۱۳۷۶ش، س ۳، ش ۹، ص ۳۱.

۱۱. همان ص ۳۶.

۲. مشخصه‌های پول

در علم اقتصاد سه مشخصه زیر برای پول پذیرفته شده است:

وسیله داد و ستد، واحد سنجش (محاسبه) و وسیله انباشت ثروت (یک مخزن ارزش). پول به عنوان یک وسیله ی داد و ستد، امکان برآوردن دو نیاز همزمان را که لازمه ی سیستم اقتصاد تهاتری (کالا به کالا) است، به وجود می آورد. در نتیجه هزینه های داد و ستد کاهش یافته، تخصّص گرایی و تقسیم کار در جامعه به وجود می آید. پول به عنوان یک واحد سنجش باعث می شود که تعداد برجسب قیمتها در یک سیستم اقتصادی، کاهش یابد. همین امر موجب کاهش هزینه های داد و ستد می شود. پول به عنوان یک وسیله انباشت ثروت هم مورد استفاده قرار می گیرد، ولی اگر به دلیل تورم ارزش پول به سرعت کاهش یابد، این نقش پول مخدوش خواهد شد.^{۱۲}

علاوه براین، چون پول وسیله پرداخت دیون، تسویه حساب و واحد شمارش است، بنابراین زمانی که پول وجود داشته باشد، می توان کالایی را امروز معامله وبهای آن را در زمان آینده پرداخت و یا دریافت کرد و برعکس می توان بهای چیزی را مدتی قبل از تحویل آن پرداخت و یا دریافت نمود. به علاوه تمامی بدهیها و مطالبات اشخاص با یکدیگر از طریق پول است که به طور کامل رفع و رجوع می شود.^{۱۳}

وقتی که پول دارای این همه مشخصه بود، معنا ندارد که مالیت نداشته باشد. مگر ممکن است چیزی واحد سنجش ارزش کالاها باشد و به عنوان ذخیره ی ارزش و وسیله مبادله مورد قبول همه باشد، ولی خود مالیت نداشته باشد. لذا بزرگان ما پول را به عنوان مال پذیرفته‌اند. نظریه آیت الله خوئی و آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله موسوی بجنوردی، آیت الله هاشمی شاهرودی، شهید مطهری، آیت الله حائری و غیره این مطلب را تأیید می‌کند.

۳. ماهیت ارزش پول

برای بیان ارزش هر کالایی، از پول استفاده می‌کنیم. به عنوان مثال، اگر بپرسند قیمت یک اتومبیل ایرانی چقدر است؟ می‌گوییم X میلیون ریال. اگر بپرسند قیمت یک عدد نان بربری چند است، می‌گوییم ۱۰۰ ریال و به همین ترتیب، در مورد سایر اجناس. حال اگر قیمت کالاها تغییر کند، به معنای تغییر در ارقام مذکور است. ولی چنانچه بپرسند ارزش یک ۱۰ ریالی چند است،

۱۲. فردریک میشکین، پول، ارز و بانکداری، ترجمه علی جهانی و علی پارسایان، ص ۷۹.

۱۳. احمد اخوی، اقتصاد کلان، کاربردی، ص ۳۲۰.

می‌گوییم این چه سوالی است! معلوم است که ارزش آن ۱۰ ریال است. آیا زمانی می‌توانیم بگوییم قیمت ۱۰ ریالی، ۵ ریال است؟ مسلماً چنین نیست و به اعتبار مقادیر اسمی، اعداد ۱۰، ۱۰۰، ۱۰۰۰ و هرآنچه بر روی پول نگاشته شده است، در طول زمان تغییری نمی‌کند. بنابراین ارزش اسمی پول همواره بدون تغییر باقی می‌ماند. هنگامی که قیمت متوسط کالاها بر حسب پول افزایش می‌یابد، مثل آن است که ارزش و قیمت پول نسبت به کالاها کاهش یافته باشد. به عنوان مثال، اگر قیمت تمامی کالاها ۲ برابر شود، به معنای کاهش ارزش پول تا حدود نصف ارزش قبلی آن است و با ۱۰۰ ریال فعلی نیمی از کالایی را می‌توان خرید که قبلاً ۱۰۰ ریال ارزش داشت. برعکس هنگامی که قیمت متوسط کالاها به طور نسبی کاهش یابد، مثل آن است که قیمت پول نسبت به کالاها افزایش یافته باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در برابر ثبات ارزش اسمی، ارزش واقعی پول ثابت نیست و تابع قدرت خرید آن است. برای اندازه‌گیری قدرت خرید پول از شاخص قیمت‌ها استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، اگر شاخص قیمت‌ها در سال ۱۳۶۵ عدد ۲۰۰ را در مقایسه با سال مبنای ۱۳۶۱ (۱۰۰) نشان دهد، یک معنای آن کاهش ارزش پول تا حدود ۵۰ درصد در آن مدت است. به این ترتیب، ارزش مبادله ای پول می‌تواند در طول زمان تغییر کند. ارزش مبادله ای پول همان قدرت خرید آن از کالاها و خدمات است.^{۱۴}

۴. آثار فقهی نوسانات ارزش پول

از نظر فقهی احکام خاصی بر نوسان ارزش پول بار می‌شود: ۱- تلف عین پول: گاهی عین پول تلف می‌شود؛ در این صورت، تلف کننده ضامن آن به نرخ روز است؛ ۲- سقوط مالیت: گاهی اصل پول موجود است، ولی از مالیت ساقط شده است؛ مثل جایی که سلطان پول را غیرمعتبر اعلام می‌کند یا در اثر تغییر نظام سیاسی، پول دیگری جایگزین آن شود. سقوط مالیت پول نیز در حکم تلف آن بوده و حکم آن را دارد؛ ۳- اُفت شدید مالیت پول: گاهی اصل پول موجود است، و مالیت نیز دارد، لکن از ارزش آن در مقایسه با زمان استقرار دین به شدت کاسته شده است. بیشتر فقها معتقدند در این مورد، برگرداندن اصل مال موجب براءت ذمه می‌شود.^{۱۵}

با این تحلیل آن چه که به ذمه ی مدیون قرار گرفته است، اصل مال بوده، نه مالیت آن. اما بعضی دیگر گفته اند: در این گونه موارد، ذمه مدیون به قیمت منتقل می‌شود. در غیر این صورت، مالک خیلی ضرر می‌کند.^{۱۶}

۱۴. همان، ص ۳۲۰ و ۳۲۱.

۱۵. سیدمحمدصادق روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۳۶.

۱۶. فرج الله هدایت نیا گنجی، حقوق مالی زوجه، ص ۱۸۳ و ۱۸۲.

اگر در انتقال به قیمت در فرض مذکور در مورد کالاهای مصرفی تردیدی باشد، در مورد پول که یک کالای استعمالی است و بدون مالیت ارزشی ندارد، قابل قبول است. اگر کاهش ارزش پول خیلی زیاد باشد، مثل مهریه های سی - چهل سال پیش که الآن پرداخت می شود، ذمه زوج به قیمت منتقل می شود، چون آن پول با قدرت خریدی که داشت امروزه نایاب است و طبق قاعده باید قیمت آن پرداخت شود. در اُفت متوسط مالیت پول: گاهی کاهش ارزش پول نه خیلی زیاد است و نه خیلی کم. در این مورد حکم به انتقال ذمه مدیون (زوج) به قیمت، محل تردید است. به همین دلیل، فقهای موافق تعدیل در این خصوص به مصالحه حکم کرده اند. در اُفت خفیف مالیت پول: اگر کاهش ارزش پول ناچیز باشد، پول فعلی مثل پول به ذمه آمده محسوب می شود و عرف این تفاوت اندک را نادیده می گیرد.^{۱۷}

۵. بررسی مسأله ضمان داربودن کاهش ارزش پول

یکی از احکام فقهی مهم مربوط به پول، مسأله ضمان و بدهی آن است؛ به این معنا که اگر کسی مقداری پول از دیگری وام گرفت و یا به هر دلیلی (از قبیل اتلاف، مهر، غصب و غیره) ذمه او به آن مشغول شد، آنچه که روشن است این است که در مقام پرداخت و اداء، باید همان مقدار پول به طلبکار بپردازد، ولی سؤال این است که آیا میزان، در پرداخت، مقدار اسمی آن است، یا قیمت و معادل و قدرت خرید آن؟ یعنی اگر صد تومان گرفته باشد، باید همان صد تومان را پرداخت کند ولو بعد از پنجاه سال و کاهش ارزش پول، یا باید معادل و قدرت خرید را در نظر بگیرند؟ چون صد تومان امروز قدرت خرید پنج ریال پنجاه سال قبل را ندارد؟

آیت الله مکارم شیرازی در این باره می نویسد:

«اگر تورّم در زمان کوتاه و مقدار معمولی باشد، محاسبه نمی شود؛ چرا که همیشه تغییراتی در اجناس و قدرت خرید پول پیدا شده و می شود و سیره مسلمین و فقها بر عدم محاسبه تغییرات جزئی بوده است؛ ولی اگر تورّم شدید [و] سقوط ارزش پول زیاد باشد، تا آن حد که در عرف، پرداختن آن مبلغ، ادای دین محسوب نگردد، باید بر اساس وضع حاضر محاسبه کرد و در این مسأله، تفاوتی میان مهریه و سایر دیون نیست.»^{۱۸}

مثلاً در یکی از استفتائات آمده بود که شخصی در سی سال قبل، اجرت بنایی را نپرداخته؛ در حالی که بنا، برای او ده روز کار کرده و اجرت بنا در آن زمان روزی ۱۸ تومان، یعنی ۱۸۰ ریال بوده. به یقین اگر کسی بخواهد اجرت بنا را به قیمت آن روز یعنی ۱۸ تومان برای هر روز بپردازد، در هیچ عرفی ادای دین محسوب نمی شود و همچنین در مورد اتلاف قیمتات بنا بر این که

۱۷. همان.

۱۸. سایت تبیان، گنجینه مذهبی، مرکز تحقیقات قوه قضائیه، پاسخ پرسش شماره ۳۰۶۰۰.

قیمت سابق را بپردازد، هیچ عرفی آن را جبران خسارت نمی‌شمارد؛ بنابراین، نه در دیون و نه در خسارات دیگر، پرداختن قیمت سابق در این گونه مقامات، مصداق ادای دین یا جبران خسارت نیست و به همین دلیل باید به نرخ روز حساب کرد.^{۱۹} لازم به یادآوری است که این پدیده، در واقع جزء مسائل مستحدثه محسوب می‌شود و از آثار پول‌های کاغذی و اعتباری است و اگر معاملات مانند سابق با طلا و نقره صورت می‌گرفت، با چنین پدیده‌ای روبه‌رو نبودیم، مگر در موارد بسیار نادر؛ نتیجه این که در مواردی که تغییرات قیمت‌ها در کوتاه مدت یا دراز مدت کم باشد، عرف آن را مصداق ادای دین می‌داند و پذیرا می‌شود؛ اما تفاوت‌های شدید و فاحش قابل قبول نیست و ادای دین محسوب نمی‌شود.^{۲۰}

وی همچنین در پاسخ به پرسشی در این زمینه، به نکات مفید دیگری اشاره دارد: «مسأله تورم در عصر ما با این شدت و وسعت که زاینده پول‌های کاغذی است، هر گاه در عرف عام به رسمیت شناخته شود، در فرض مسأله، ربا نخواهد بود (همان طور که از بعضی کشورهای خارجی نقل می‌کنند که آن‌ها نسبت به سپرده‌های بانکی، هم نرخ تورم را محاسبه می‌کنند و هم سود را)؛ در چنین شرایطی، محاسبه نرخ تورم ربا نیست؛ ولی سود زاید بر آن ربا است؛ اما در محیط ما و مانند آن که در عرف عام، نرخ تورم در بین مردم محاسبه نمی‌شود، کلاً ربا محسوب می‌شود؛ زیرا اشخاصی که به یکدیگر وام می‌دهند، بعد از گذشتن چند ماه یا بیش‌تر، عین پول خود را مطالبه می‌کنند و تفاوت تورم محاسبه نمی‌شود و این که در محافل علمی تورم به حساب می‌آید، به تنهایی کافی نیست؛ زیرا مدار بر عرف عام است؛ ولی ما یک صورت را استثنا می‌کنیم و آن در جایی است که مثلاً بر اثر گذشتن سی سال، تفاوت بسیار زیادی حاصل شده باشد و لذا در مورد مهریه‌های قدیم زنان، یا مطالباتی از این قبیل، احتیاط واجب می‌دانیم که باید به نرخ امروز حساب شود یا لااقل مصالحه کنند».^{۲۱}

با توجه به ضمان دار بودن کاهش ارزش پول، اگر کاهش ارزش پول شدید باشد، به یقین عرف وقتی مدیون ابری الذمه می‌داند که ارزش حقیقی پول را بپردازد. از آنجا که یکی از دیون مهریه است، سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که در باب مهریه در صورت تورم و کاهش ارزش پول چه نوع محاسباتی انجام خواهد شد؟ قبل پاسخ به این سؤال باید مهریه، فلسفه تشریح و دین بودن آن را بررسی کنیم.

۶. تعریف مهریه

۱۹. احمدعلی یوسفی، مقاله: «جبران کاهش ارزش پول در دیون و روابط مالی»، مجله اقتصاد اسلامی سال دوم، ۱۳۸۱ش، شماره ۶؛ همو، مقاله: «بررسی فقهی

نظریه های جبران کاهش ارزش پول (قسمت ۲)»، مجله فقه اهل بیت (ع)، ۱۳۸۱ش، شماره ۳۱.

۲۰. همان.

۲۱. همان. و نیز: ناصر مکارم شیرازی، مقاله: «محاسبه نرخ تورم در دیون و مطالبات»، سایت آیت الله مکارم شیرازی، به آدرس:

«مهریه» کلمه ای عربی است و معادل فارسی آن «کابین» می باشد.^{۲۲} و کلمات «صداق، نحله، فریضه، طول، نکاح و اجر» را در عربی مترادف مهریه گویند.^{۲۳} در قرآن از کلمات معادل مهریه استفاده شده است و لفظ مهریه در قرآن به کار نرفته است.

۱-۶. فلسفه تشریح مهریه

از آیات و روایات اهل بیت (ع) در مورد فلسفه تشریح مهر، نکاتی فهمیده می شود که بیان این نکات، به بحث ضرورت تعدیل مهریه کمک خواهد کرد. آنچه از منابع اصیل فقه در مورد علت یا حکمت تشریح مهر برداشت می شود به شرح زیر است:

الف- مهریه به عنوان اعطای تبرّعی

قرآن کریم از مهر به «صداق» تعبیر کرده است که باید به صورت «نحله» به زن پرداخت شود:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»^{۲۴}

صداق های زنان را به عنوان بخشش پرداخت نمایند.

واژه «صداق» از ریشه «صدق» است. دلیل اطلاق صداق ادعای او را ثابت می کند. واژه «نحله» نیز به معنای عطیه، بخشش و اعطای تبرّعی است. این تعبیر می فهماند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی، پیشکشی، عطیه و هدیه ندارد. مهریه، قیمت زن نیست و مرد با دادن مهر به زن سلطه ای بر او پیدا نمی کند.^{۲۵}

در این نگرش، مهر در قبال استمتاع و بضع قرار نمی گیرد، بلکه هدیه غیرمُعوّض است، زیرا استمتاع امری مشترک میان زوجین است و این طور نیست که فقط مرد از زن کامجویی کند تا عوض آن را به صورت مهر پرداخت نماید.^{۲۶}

ب- مهریه به عنوان اعطای مُعوّض

از تعبیر دیگر در قرآن در مورد مهر استفاده شده است که مهر در مقابل بضع قرار دارد. قرآن در مورد ازدواج حضرت موسی (ع) و دختر حضرت شعیب (ع) می فرماید:

«قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِكَ بِمَهْرٍ فَكُنْ لَنَا مِنَّا ذِي فَضْلٍ»^{۲۷}

شعیب گفت: من اراده آن دارم که یکی از دو دخترم را به نکاح تو در آورم. بر این مهر که هشت سال خدمت مرا کنی.

۲۲. حسین راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۹۷

۲۳. محمدبن یعقوب فیروز آبادی شیرازی، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۳۶

۲۴. سوره نساء، آیه ۴

۲۵. رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶۲؛ مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۳

۲۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴

۲۷. سوره قصص، آیه ۲۷

در این آیه از مهر به «اجر» تعبیر شده است و به چیزی که در مقابل منفعت چیز دیگری باشد «أجرت» گفته می شود. این کار نشان می دهد که مهر در مقابل بضع است.^{۲۸} بنابراین مهریه مالی است که به موجب عقد نکاح، مرد ملزم به پرداخت آن به زن می شود.

ج. دیدگاه سوّم در ماهیت مهریه

برخی نیز چنین گفته اند که مهریه مالی است که زوجه به مناسبت عقد نکاح یا نزدیکی مستحق آن است. البته برخی دیگر عقیده ی دیگری را بیان داشته و آن اینکه صدّاق به وسیله ی عقد به طور متزلزل به مالکیت زن درمی آید و با یکی از چهار چیز مالکیت آن مستقر می گردد: دخول، مرتد شدن شوهر به ارتداد فطری، مرگ شوهر، مرگ زن بنا به اشتهر اقوال.^{۲۹} الزام مربوط به تملیک مهر ناشی از حکم شارع است و ریشه ی قراردادی ندارد. به همین دلیل، سکوت دوطرفه در عقد و حتی توافق بر اینکه زن مستحق مهر نباشد، نمی تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد و عقد آنان صحیح و زن مستحق مهرالمثل است.

اتفاق فقها، بر وجوب مهر است. بر اینکه مهر فی نفسه برای خود عقد است. هرگاه نکاح صحیح باشد، پس اگر مهر در زمان عقد تعیین شود مَهْر الْمُسَمَّى گویند و در صورت عدم تعیین مهرالمثل تعیین می شود، پس اگر نکاح، فاسد باشد، مهر نیز منتفی است.

خلاصه مهر را می توان اعطای معوّض به شمار آورد که اگر مرد با میل و رغبت و در نخستین روزهای زناشویی آن را به زن بپردازد، صداقت ادعای خود را در عشق و علاقه و وفاداری به زن اثبات کرده است. به همین دلیل، بعضی از مفسران، مهر را تدبیر چند منظوره به شمار آورده اند که علاوه بر اظهار علاقه و محبت مرد به زن، به نوعی جنبه «جبران خسارت» و «پشتوانه برای احترام به حقوق زن» دارد، نه قیمت و بها، و شاید تعبیر به «نِحْلَه» به معنی «عَطِيَه» در آیه ۴ سوره نسا اشاره به این قسمت باشد.^{۳۰}

۲-۶. ضرورت تعدیل مهریه های پولی

الف) انواع مهر

۲۸. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۷

۲۹. علی شیروانی، ترجمه و تبیین شرح لمعه، ج ۱۰، ص ۴۵

۳۰. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶۵

از نظر فقهی، هر آنچه قابل تملک باشد، می تواند مهر در نکاح قرارگیرد.^{۳۱} براین اساس، مهریه ممکن است یکی از امور زیر باشد:

۱. مهریه از جنس اعیان

اشیای مادی مستقل را عین می گویند؛ اموالی که وجود خارجی داشته و با حس لامسه قابل ادراک هستند؛^{۳۲} مانند: یک جلد کتاب، یک رأس گوسفند، یک دستگاه اتومبیل، یک قطعه زمین و یک دستگاه ساختمان.

۲. مهریه از جنس منافع

مقصود از منفعت، ثمره حاصل است که به تدریج از اعیان اموال به دست می آید، بی آن که از عین مال به گونه ای محسوس بکاهد؛ خواه این ثمره مانند میوه درختان، عین مادی باشد یا وصفی که عین مال از آن جهت قابل انتفاع است، مانند: صلاحیت حیوانات برای سواری و باربری و خانه برای سکونت.^{۳۳}

۳. مهریه از نوع دیون

تعهدی است که بر ذمه شخصی به نفع کسی وجود دارد. هرگاه مردی در ضمن عقد نکاح متعهد شود که مبلغی به زن بابت مهر بپردازد، در این صورت او به پرداخت مبلغ فوق، مدیون می شود.

۴. مهریه از نوع حقوق

نوع دیگر از اموال است که در حقیقت یک امتیاز، اولویت، سلطه یا اختیار است؛ مانند: حق خیار، حق شفعه، حق حضانت، حق تحجیر، حق سرقفلی، حق انتفاع و حق ارتفاق. هر یک از اموال فوق، می تواند مهر در نکاح باشد. چنان که امام خمینی می نویسد: مهر ممکن است تعلیم صنعتی یا هر عمل حلال دیگری باشد. هم چنین اگر یک حق قابل نقل و انتقالی مثل حق تحجیر، مهریه قرار گیرد صحیح است.^{۳۴} از دیدگاه حقوقی نیز هر چیزی که مالیت داشته و قابل تملک باشد، می تواند مهر قرار گیرد.^{۳۵}

در بسیاری از اردواج ها مهریه هیچ کدام از اموال ذکر شده نیست. خانواده ها ترجیح می دهند که وجه نقد را مهریه قرار دهند، زیرا تبدیل اموال یادشده به اموال مورد نیاز به آسانی مقدور نیست. اما مشکل اساسی آن از دست رفتن نقش واسطه ای یا کاهش آن است. گاهی به دلیل شرایط اقتصادی نقش واسطه ای پول کمتر می شود و به اصطلاح از ارزش و قدرت خرید آن

۳۱. روح الله (امام) خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۵

۳۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹، باب استحباب قله المهر و کراهه کثرت؛ رک: علی شیروانی، ترجمه و تبیین شرح لمعه، ج ۱۰، ص ۲۳

۳۳. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، ص ۳۵

۳۴. روح الله (امام) خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۵

۳۵. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷ ش، ماده ۱۰۷۸.

کاسته می گردد. در این موارد، تعیین مهریه با پول کارکردهای اقتصادی و اجتماعی خود را از دست می دهد و نمی تواند وثیقه برای زن در مقابل حق طلاق مرد و تأمین کننده آتیه زن باشد. در حقیقت مهریه های پولی در فرض اُفت مالیت و ارزش شدید، به هیچ کاری نمی آیند و بی خاصیت و تلف شده محسوب می گردند. این مسئله ایجاب نمود که تدبیری اتخاذ شود تا مالیت پول به آن برگردانده شود و کارکردهای اجتماعی و اقتصادی مهریه های پولی حفظ گردد. این تدبیر همان «تعديل مهریه» است.

ب) مروری بر مسأله طرح تعديل مهریه

در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۷۶ ماده واحده ای مشتمل بر دو تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م. الحاق گردید. به موجب این ماده: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

تحولات اقتصادی، کاهش جدی ارزش پول و بالا رفتن نرخ تورم، موجب بی اعتباری مهریه های پولی گردید؛ به گونه ای که در دید عرف، تلف شده محسوب گردیده و دریافت آن، مسخره جلوه می نمود و در عمل از سوی زن مطالبه نمی شد. مهر بر مبنای اسکناس بر اثر گذشت زمان ارزش خود را از دست داده، و همین امر دلسوزان و مدافعان حقوق زنان (به ویژه نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی) را به فکر واداشت تا چاره ای اندیشیده و این مشکل را مرتفع نمایند. از یک طرف به خانواده ها در گفتار و نوشتار می آموختند که مهریه دختران خود را پول و اسکناس قرار ندهند تا در آینده مشکل پیدا نمایند. از سویی دیگر، در حوزه قانون گذاری تلاش می کردند تا مشکل ازدواج های گذشته نیز حل شود؛ مشکل زنانی که پس از سال ها تحمل رنج و مشقت، وقتی که تصمیم می گیرند مهریه خود را وصول نمایند، متوجه می شوند به دلیل گذشت زمان و کاهش ارزش پول، مهریه آنان از دست رفته و حقشان ضایع گشته است. عدل و انصاف ایجاب می نمود که در بُعد قانون گذاری حرکتی صورت گیرد. لذا پس از طی مراحل قانونی و به موجب تبصره یک ماده واحده ای که به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی (مصوب ۱۳۷۷/۲/۱۳ هیئت وزیران) الحاق گردید، مقرر شد: «چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد».^{۳۶}

کلیات قانون مدنی ایران که تدوین آن از سال ۱۳۰۷ شمسی آغاز شده، یکی از بهترین و کاملترین قوانین مدنی جهان محسوب می شود. نویسندگان این قانون در تدوین مواد قانونی از فقه امامیه و حقوق کشورهای اروپایی عمدتاً کشور فرانسه الهام گرفته و در تدوین مقرراتی که مستقیماً با دین رسمی ایران ارتباط داشته، نظیر نکاح، طلاق، ارث و وصیت از نظر مشهور فقهای شیعه پیروی کرده اند.

قانون مدنی ایران در بیان مقررات مربوط به نکاح به سبب ارتباط آن با قوام خانواده و نَسَب، کاملاً از ضوابط شرعی پیروی کرده و در خصوص مهریه نیز این متابعت به چشم می خورد.^{۳۷}

مثلاً در عقد نکاح دائم علی‌رغم لزوم تعیین مهر، عدم ذکر مهر به هنگام انعقاد عقد، لطمه ای به صحت عقد وارد نساخته و بعداً می توان مهر را تعیین نمود؛^{۳۸} در حالی که به تصریح ماده ۱۰۹۵ این قانون، در نکاح منقطع، عدم مهر در عقد، موجب بطلان است.^{۳۹}

به موجب ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی ایران، هر چیزی را که مالیت داشته باشد، می توان مهریه، قرار داد و چون به مجرد عقد نکاح، زن مالک مهر می شود، می تواند بلافاصله پس از عقد، مهر را از مرد مطالبه کند. به بیان دیگر، به مجرد انعقاد عقد نکاح، زوج به میزان مهریه مدیون همسر خود می شود.

۳-۶. سبب برائت ذمه زوج

معمولاً به جهات عاطفی و گذشت و سازگاری زنان، ایشان از مطالبه مهریه امتناع کرده و حتی در مواقع بروز اختلاف نیز با بذل مهر خود حاضر به جدایی می شوند. اما این عوامل روحی و اجتماعی در اصل حقی که به موجب قانون برای زنان به وجود می آید، مؤثر نبوده و آن را مخدوش نمی سازد. بنابراین، زن همواره می تواند مهر خود را از مرد مطالبه و دریافت نماید. حال ممکن است مهریه وجه نقد یا به تعبیر ماده واحده مذکور، وجه رایج باشد و زوجه چند سال پس از عقد نکاح درصدد مطالبه آن برآید و یا اینکه مرد خود بخواهد دین خویش را ادا کند. آنچه موضوع بحث ما را تشکیل می دهد، این مطلب است که آیا پرداخت همان مبلغی که به عنوان مهر در عقد ذکر شده، ولی پرداخت نگردیده، سبب برائت ذمه زوج خواهد بود یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است بدانیم نحوه ایفای تعهد چگونه است و مدیون چه زمان برائت ذمه حاصل می کند.

الف) نحوه ایفای تعهد

مهریه دینی است که بر ذمه زوج قرار دارد، مرد که به موجب عقد نکاح به میزان مهریه مدیون زوجه گردیده، زمانی برائت از ذمه می یابد که به تعهد خود عمل کند. دانستیم که مهر ممکن است پرداخت مال یا انجام عملی باشد؛ در این صورت، زوج هنگامی از قید تعهد آزاد می شود که عمل مذکور را انجام داده و یا مال بخصوص را پرداخت نماید. ماده ۲۷۷ قانون مدنی ایران در این مورد تصریح می کند که متعهد ملزم است آنچه بر عهده گرفته، به طور کامل اجرا کند. همچنین متعهد باید همان چیزی را که مدیون است به متعهدله تسلیم کند، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری با هم توافق کنند.

۳۷. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۵ به بعد؛ زین الدین عاملی (شهید ثانی)، الرّوضَةُ البَیْهَةُ فی شرح اللّمْعَةِ الدِّمَشْقِیَّةِ، ج ۵، ص ۳۴۱

۳۸. قانون مدنی ایران، مصوّب ۱۳۰۷ش، ماده ۱۰۸۷.

۳۹. مهدی، شهیدی، سقوط تعهدات، ص ۱۲۲.

ایفای تعهد در مواردی که مهریه انجام عمل خاص مثل آموزش یک زبان خارجی یا تملیک مال معین مثل خانه یا اتومبیل باشد، با مشکل خاصی روبرو نیست و هر زمان این عمل انجام شود، زوج دین خود را ادا کرده است. مثلاً هرگاه مهریه یک دستگاه اتومبیل با مشخصات معین باشد، زوج هر زمان که اتومبیلی با همان مشخصات را تسلیم زوجه نماید، دین خود را ایفا کرده و نوسان قیمت در این مورد اثری ندارد و در هر حال مرد ملزم است یک دستگاه اتومبیل را به عنوان مهر به همسر خود تسلیم کند؛ اعم از این که قیمت آن بالا رفته، یا نسبت به زمان عقد پایین آمده باشد، اما هنگامی که مهریه وجه نقد است، این بحث مطرح می شود که آیا زوج با پرداخت همان مبلغ زمان عقد به تعهد خود عمل کرده و بری ذمه محسوب می شود؟ تا قبل از تصویب و الحاق ماده واحده مذکور، عده ای به این سؤال پاسخ مثبت می دادند و تصور می کردند که اگر مثلاً زمان عقد، مهریه زوجه یکصد هزار تومان بوده و ده سال بعد زوج همین یکصد هزار تومان را به زوجه بپردازد، به تعهد خود عمل کرده است. این عمل، علاوه بر اینکه راه سوء استفاده های احتمالی را باز می گذاشت و آقایان پس از سالها زندگی، همسر خود را با پرداخت مبلغ ناچیزی به عنوان مهریه، رها می ساختند، با توجه به ماهیت ایفای تعهد و پذیرفتن اینکه پرداخت وجه نقدی که موضوع تعهد بوده، به همان میزان زمان عقد، بتواند سالها پس از عقد، ایفای تعهد محسوب شود، منطقی به نظر نمی رسید.

قانونگذار در سال ۷۶ به منظور تضمین حقوق زنان و با الهام از عقاید حقوقدانان،^{۴۰} در خصوص مهریه هایی که وجه رایج بودند، مقرراتی را وضع نمود که به موجب آن ایفای تعهد زمانی معتبر خواهد بود که مهریه وجه نقد، با توجه به تغییرات شاخص قیمتها از زمان اجرای عقد تا زمان ایفای تعهد، پرداخت شده باشد. تئوری مطرح شده در این خصوص که راهنمای قانونگذار در تدوین مقررات مربوط به مهریه بوده، در خصوص تمام دیون پولی قابل اجراست، اما قانونگذار به جهت رعایت حقوق زنان که در مورد مهریه های وجه نقد، بسیار تضییع شده - اغلب اتفاق می افتد که زنان پس از سالها زندگی بدون هیچ سرمایه و توشه ای رها شوند - این مقررات را ابتدا در مورد مهریه که برای افراد ملموس تر بوده، تدوین نموده است.

ب- مفهوم وجه رایج

مقررات ماده واحده مذکور در مورد مهریه ای است که وجه رایج باشد، حال لازم است مفهوم وجه رایج روشن شود. «وجه رایج» وجهی است که سیستم بانکی با حکومت هر کشور آن را به عنوان پول معتبر آن کشور اعلام می کند. مثلاً زمانی که وجه رایج کشور با معیار «قران» معین می شد و اینک وجه رایج ایران «ریال» است. ارزشهای خارجی که به تناسب معادل ریالی خود ارزش دارد، در معاملات داخلی در حکم کالا به شمار می آید، و هرچند با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مصوب ۵۳/۱۰/۴، ارزشهای خارجی نیز پول محسوب می شوند، و ممکن است به عنوان مهریه قرار داده شوند، اما از نظر

حقوقی وجه رایج محسوب نمی شوند. بنابراین هرگاه عقد نکاحی در ایران واقع شده و مهریه مثلاً ۵۰۰ فرانک تعیین شود، تکلیف زوج در پرداخت مهریه چه خواهد بود؟ آیا می توان از ماده واحده مذکور در این مورد نیز استفاده کرد؟

بله هرچند ماده واحده مذکور در مورد مهریه ای است که وجه رایج باشد، اما این امر منافاتی با اجرای نظریه مذکور در مورد سایر پولها ندارد، ولی نرخ تورم در مورد پولهای غیررایج ایران، باید با شاخصهای بین المللی سنجیده شود. بنابراین منظور از وجه رایج در ماده واحده مذکور، وجه رایج ایران است. اما اگر پول رایج کشور دیگری به عنوان مهر در عقد ذکر شده باشد، زوج با پرداخت مهریه به همان ترتیبی که ذکر شد، برائت حاصل خواهد کرد، نه با پرداخت میزان شماره ای ارز خارجی.

ج- نحوه محاسبه و پرداخت مهریه به نرخ روز (تعدیل مهریه)

قانونگذار در مورد محاسبه مهریه فرمولی تعیین نموده به این ترتیب که متوسط شاخص بها در سال قبل، تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد، ضرب در مهریه مندرج در عقدنامه می شود.^{۴۱} مثلاً اگر مهریه در سی سال قبل (سال وقوع عقد) یک هزار تومان و شاخص هزینه زندگی در همان سال ۱۰۵ بوده است و شاخص هزینه در سال قبل (پرداخت مهریه) ۱۰۰ شده است، ۱۰۰۵×۱۰۰۰ زوج باید ۲۰۰۰۰ ریال به زوجه بپردازد.

تذکر این نکته ضروری است که زن همواره می تواند مهر خود را مطالبه نماید، اما چون به دلایل عاطفی و فرهنگی معمولاً به هنگام اختلاف، مهر مطالبه می شود، این تصور غلط رواج یافته که: اولاً- مهر فقط هنگام طلاق پرداخت می شود؛ ثانیاً- اگر زن خواهان جدایی باشد، حقی بر مهر ندارد. این تصور به هیچ وجه صحیح نیست و زن می تواند مهر خود را بلافاصله پس از عقد یا سالها پس از آن مطالبه کند و این امر ارتباطی با طلاق و جدایی ندارد، ولی معمولاً زمانی که زن خواهان جدایی است، برای جلب رضایت مرد از دریافت مهر خود صرف نظر می کند. بنابراین هرگاه مهریه عین معین از قبیل طلا، خانه یا اتومبیل باشد، به هنگام مطالبه عیناً باید به زن تسلیم شود و اگر وجه رایج باشد، به طریق فوق محاسبه و پرداخت خواهد شد. ممکن است این ایراد به ذهن برسد که زوجه به اختیار خود در مطالبه مهریه تأخیر کرده، بنابراین چرا مسئولیت این تأخیر بر مرد تحمیل می شود؟

در پاسخ باید گفت: داین متعهد است که فوراً به تعهد خود عمل کند، حتی اگر متعهدله درخواست نکرده باشد. بنابراین زوج که متعهد به پرداخت مهریه است، می بایست فوراً تعهد خود را انجام می داده و حال که تأخیر کرده، علاوه بر انجام اصل تعهد، یعنی پرداخت مهریه به طریقی که ذکر شد، باید خسارت تأخیر در انجام تعهد را نیز بپردازد، مضافاً بر اینکه هر ذی حقی می تواند حق خود را در هر زمان که بخواهد مطالبه کند و تأخیر در این امر خدشه ای بر حق وارد نمی سازد.

د- پرداخت مهریه پس از فوت زوج

۴۱. فرج الله هدایت نیا گنجی، حقوق مالی زوجه، ص ۱۴۵

مهریه دین است و بر ذمه زوج قرار دارد. هرگاه که زوج قبل از پرداخت مهریه فوت کند، مهریه که از دیون ممتاز محسوب می شود، باید از ماترک او پرداخت شود، در این صورت، هرگاه پس از فوت بلافاصله مهریه از ماترک متوفی پرداخت شود، ملاک محاسبه تاریخ فوت خواهد بود، اما اگر ترکه تقسیم نشده و مهریه پرداخت نشده باشد و مثلاً پنج سال پس از فوت پرداخت شود، در این صورت طبق نظر دهی مذکور، زمان پرداخت دین، ملاک محاسبه خواهد بود، نه زمان فوت، زیرا تا پرداخت مهریه، دین همچنان بر ذمه زوج متوفی باقی خواهد بود.

۷. تعدیل مهریه از دیدگاه فقه امامیه

در بررسی های کاملی که در خصوص سابقه ی فقهی تعدیل مهریه به عمل آمده است، درمی یابیم که فقهای قدیم در این خصوص مطالبی بیان نکرده اند. علت عمده ی آن هم، این است که در آن زمانها وجه رایج درهم و دینار بوده که خود ارزش ذاتی داشته و گذر ایام باعث کاهش ارزش آن نمی شده است. اما فقها به اتفاق، در خصوص مهری که «کالا» بوده و نه «نقدین»، در صورتی که به واسطه ی - تغییر نرخ بازار- ارزش آن کم یا زیاد می شده، صراحتاً فرموده اند که زیادت یا کاهش ارزش موضوع مهر تأثیری در زمان پرداخت آن ندارد.^{۴۲}

اما این موضوع، خارج از مسأله ی مبحث عنه است، زیرا که روی سخن ما تعدیل مهری است که آن را وجه رایج می خوانند، نه کالاهای عینی. اما در خصوص دین، فقهاء قدیم مباحثی مطرح کرده اند، که نزدیک به بحث ما است، اما به علت نبودن پدیده های کاهش ارزش پول در اثر تورم، موضوعات مطرح شده، در مورد خارج شدن پولهای فلزی «سکه های طلا و نقره» از جریان و یا ساقط شدن اعتبار آن توسط حاکم است.

علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه فرموده اند: «شیخ (طوسی) در کتاب النهایه گفته اند: هر کسی از دیگری درهم هایی قرض نماید، سپس آن درهم ها ساقط شود، و غیر آن درهم رایج بازار گردد. برعهده ی مقترض بجز عین درهمی که قرض کرده یا قیمت زمانی که قرض کرده، نیست. همین طور ابن براج و ابن ادریس و صدوق نیز در کتاب المقنع و صاحب کتب من لایحضره الفقیه و غیره چنین گفته اند.»^{۴۳} اکثر فقهاء نیز همین نظر را دارند.

بعضی از فقهاء جدید متعرض موضوع شده اند،^{۴۴} و گفته اند: «زید ۳۰/۰۰۰ دینار عراقی که معادل ۳/۰۰۰ دینار بحرانی است، به عمرو پرداخته، تا برای زید در ایران ارسال کند. بعد از مدتی ارزش دینار عراقی نزول می یابد و مبلغ مذکور فقط معادل ۷۰۰ دینار بحرانی می شود. در اینجا زید از عمرو می خواهد که بقیه مبلغ (۲/۳۰۰) دینار بحرانی را برای او ارسال کند، یا اینکه موافقت می کند به همان میزان دینار عراقی برای او ارسال دارد، اما عمرو جواب می دهد که ۷۰۰ دینار بحرانی مساوی

۴۲. رک: مرتضی، انصاری، کتاب النکاح، ص ۲۸.

۴۳. حسن بن یوسف حلی (علامه حلی)، مختلف الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۴.

۴۴. میرزا جواد، تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، ص ۵۲۵.

با مبلغ دینار عراقی شده است و سبب آن نزول ارزش دینار عراقی در بازار است. حال سؤال این است که زید استحقاق قیمت روز قبض عمرو را دارد، یا قیمت روز ارسال؟

جواب: اگر پرداخت دینار عراقی به صورت حواله بوده است تا به زید در ایران تحویل داده شود، پس عمرو می بایست دینار بحرانی بپردازد. یعنی به میزان ۲/۳۰۰ دینار و اما اگر زید به عمرو بگوید: بر توست دینار عراق. و اما هنگام پرداخت، عمرو بدل آن، یعنی دینار بحرانی بپردازد، پس بر عهده ی عمرو چیزی جز پرداخت دینار عراقی به میزان دینار بحرانی روز پرداخت نخواهد بود».

اگرچه در اینجا، سخن از حواله به میان آمده، اما در ذیل مطلب پرداخت دینار عراقی به میزان ارزش روز پرداخت دینار بحرانی توصیه شده است، که به نوعی مبین این موضوع است که افزایش یا کاهش ارزش پول، تأثیری نداشته و قیمت روز پرداخت ملاک است.

عده ای دیگر در صورت تفاوت فاحش ارزش قدرت خرید پول سابق با پول جدید، توصیه به مصالحه کرده اند و عنوان نموده اند که چنین مسائلی ممکن است در خصوص مهر و معاملات رخ دهد. یا اینکه فقها قدیم در این خصوص به صراحت اظهار نظری نداشته اند، اما در میان دانشمندان فقه و حقوق در زمانهای حاضر مسأله مورد کنکاش و تبیین واقع شده است.

۸. نظر فقیهان معاصر امامیه در مورد محاسبه مهریه به نرخ روز

کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی که بررسی کننده ی طرح الحاق یک تبصره به ماده ی ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران به عنوان ماده واحده بود، اقدام به کسب نظر از چند تن از مراجع و آیات عظام حوزه های علمیه در این زمینه نمود که نظرات عنوان شده در این خصوص را می توان به قرار ذیل دسته بندی نمود:

۸-۱. دیدگاه عدم ملاحظه کاهش ارزش پول

برخی طرح تعدیل مهر را خلاف شرع دانسته و عنوان کرده بودند که ملاک و معیار، همان پول است، که بر اساس آن عقد جاری شده و با گذشت زمان، تغییر پیدا نمی کند؛ یعنی کاهش ارزش پول هیچ تأثیری در مهر نداشته و مرد ملزم به پرداخت همان مبلغی است که در هنگام تعیین مهر، مقرر گشته است. در این خصوص نظر تعدادی علماء را عیناً نقل می کنیم:

الف - دیدگاه امام خمینی در مسأله کاهش ارزش پول

«مقدار مهر همان است که قرار داده شده و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید، تغییر پیدا نمی کند».^{۴۵}

ب - دیدگاه آیت الله تبریزی در مسأله کاهش ارزش پول

۴۵. عبدالرحیم موگهی، احکام ازدواج، طبق فتاوی و نظریات امام خمینی، ص ۱۸۵.

«پول فی نفسه مال است (و سند مال نیست) و مثلی می باشد. بنابراین کسی که در مهر و امثال آن مبلغی را به پول رایج بدهکار شود، طلبکار نمی تواند بیش تر از مبلغ مزبور از بدهکار مطالبه کند و کاهش یا افزایش قدرت خرید، تأثیری در حکم ندارد».^{۴۶}

ج- دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی در مسأله کاهش ارزش پول

«به همان مقداری که در ابتدا به ذمه آمده است، و کم شدن ارزش آن، یعنی قدرت خرید نقشی ندارد، زیرا پول از مثلیات است، نه قیمیات، به همان مبلغ محاسبه می شود».^{۴۷}

د- دیدگاه آیت الله سیستانی در مسأله کاهش ارزش پول

«آنچه همسر به عنوان مهریه استحقاق دارد، همان مبلغی است که در عقد تعیین شده و با افزایش شاخص قیمت ها تغییر نمی یابد، زیرا پول از مثلیات است، مگر اینکه پول به کلی از اعتبار ساقط شود، که در این صورت قیمت ماقبل زمان سقوط را مستحق است».^{۴۸}

ه- دیدگاه آیت الله رضوانی در مسأله کاهش ارزش پول

«تورم به عهده ی بدهکار نیست و فقط بدهکار همان مبلغی است که قرض گرفته؛ و با قرار هم ولو در ضمن عقد خارج لازم باشد، نمی توان آن را شبیه کرد. در مهر زوجه و بدهکاری های دیگر، مانند خمس هم، چنین است».^{۴۹}

دلیل ضمان مبلغ عددی و قدرت خرید اسمی در فتاوی ذکر شده این است که «پول از مثلیات است».

دیدگاه های ذکر شده در این جهت متفق اند که پول، مثلی است و قدرت خرید آن در مثلیت آن دخالت ندارد، اما با توجه به ماهیت پول های امروزی و این که تمام ارزش و اعتبار آن مربوط به قدرت خرید آن است و بدون آن در حد یک کاغذ نقاشی شده تنزل پیدا می کند، مثلی به شمار آوردن آن بدون در نظر داشتن قدرت خرید دور از واقعیت است. در نتیجه، اگر هم بپذیریم که پول امروزی مثلی است، قدرت خرید آن در مثلیت دخیل است.

۸-۲- دیدگاه محاسبه و پرداخت مهریه به نرخ روز

عده ای از فقها، حکم به تطبیق مهر به نرخ روز می دهند، یعنی معتقدند که پول ارزش واقعی ندارد و آنچه امروزه وسیله ی داد و ستد است، نمی تواند معیار و ملاک اصلی در ارزش باشد. آنها بر این نظرند که باید محاسبه شود آن مبلغ که به عنوان مهر

۴۶. فرج الله هدایت نیا گنجی، حقوق مالی زوجه، ص ۱۴۸

۴۷. برگرفته از سایت اینترنتی: www.Irandoc.ac.ir

۴۸. همان.

۴۹. همان.

تعیین شده است، در زمان خودش چقدر ارزش داشته؛ به این عبارت که چقدر قدرت خرید کالا داشته، امروز نیز باید رقمی تعیین شود که همان قدرت خرید را داشته باشد. این دسته از فقها معتقدند که حتی کلیه ی دیون و بدهی ها می تواند با نرخ تورم محاسبه شود. به عبارت دیگر، این گروه ارزش اعتباری پول را پذیرفته اند.

عده ای دیگر از فقها، همین عقیده را دارند، اما محاسبه ی مهر به قیمت روز را با اضافه کردن شرطی به آن پذیرفته اند؛ به این معنی که اگر زن مهر خود را مطالبه کرده و شوهر به او پرداخت نکرده باشد، مهر باید به قیمت روز محاسبه شود؛ ولی اگر مطالبه نکرده باشد، نمی توان بیش از آنچه در اجرای عقد تعیین شده، از شوهر مطالبه کند. در این خصوص نیز، عقیده تعدادی از آنها را نقل می کنیم:

الف- دیدگاه آیت الله خامنه ای در مسأله کاهش ارزش پول

«باید طبق قانونی که در این زمینه دارد، عمل شود».^{۵۰}

ب- دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی در مسأله کاهش ارزش پول

«چنانچه تورم در این مدت شدید بوده، باید مطابق نرخ متوسط تورم اجناس، محاسبه و پرداخت گردد».^{۵۱}

ج- دیدگاه آیت الله سیّد محمد موسوی بجنوردی در مسأله کاهش ارزش پول

«اگر حقیقت پول و هویت آن را قدرت خرید بدانیم، وقتی که قرض گیرنده پولی را قرض می گیرد، آنچه به ذمه ی او آمده است، آن مقدار قدرت خریدی است که برای آن، پول اعتبار شده بود. پس آنچه به ذمه آمده است، مقداری معین از قدرت خرید است ما به عدد اسکناس کاری نداریم. به هنگام اداء دین باید همان قدرت خرید پرداخت شود. گاه لازم می شود به خاطر وجود تورم، عدد اسکناسها به هنگام پرداخت بیش از آن تعدادی باشد که قرض دهنده پرداخته بود، ولی از نظر توان خرید، همان توان خریدی است که به هنگام قرض به ذمه آمده است».^{۵۲}

«از این نظر تفاوتی نیست. ما باید ببینیم هنگام عقد چه چیزی به ذمه ی زوج آمده است، همان را باید بپردازد. و فقه هم همین را می تواند بگوید».^{۵۳}

د- دیدگاه آیت الله سبحانی در مسأله کاهش ارزش پول

۵۰. همان.

۵۱. همان؛ نیز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت، «احکام خانواده، حکم پرداخت مهریه و دین»، به آدرس:

<https://hedayatgar.ir/fa/news/>

۵۲. رک: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، فقه اهل بیت (ع)، فارسی، ج ۷، ص ۴۱.

۵۳. همان.

«اگر در ضمن عقد، ارزش آن اسکناس معین شود و بگویند این چند ریالی که فعلاً ارزش آن با فلان مقدار از کالا با طلا مساوی است، مهر زوجه قرار داده شد، مسلماً باید به هنگام پرداخت، این جهت رعایت شود. ولی اگر این شرط انجام نگیرد، چنان که تاکنون رسم نبوده یا کمتر رسم بوده، به این جهت که نوسان در ریال، چندان چشمگیر نبوده است؛ در این صورت، اگر با هم مصالحه کردند، چه بهتر و در غیر این صورت، باید ارزش آن را در نظر بگیرند».^{۵۴}

ه- دیدگاه آیت الله محمدی گیلانی در مسأله کاهش ارزش پول

«بعید به نظر نمی رسد که ارزش پولی پول، یعنی قدرت خرید پول، مورد ضمان باشد و در سبب اشتغال، فرقی نیست که اسباب اختیاری باشد یا اسباب قهری، و در ادای وجه رایج روز در مقام تأدیه ی صداق زوجه ی مورد مثال، برائت و فراغ ذمه «مَنْ عَلَيْهِ الْإِدَاءُ» را موجب نمی شود».^{۵۵}

و- دیدگاه شهید آیت الله دکتر بهشتی در مسأله کاهش ارزش پول

«جبران تورم، یعنی جبران کاهش قدرت خرید اول است. اگر نرخ تورمی وجود داشته باشد، باید هم در وام برخی آن فکری شود و هم در خرید و فروش. در این صورت باید آن را «جبران تورم» نامگذاری کنیم و این چیزی از قبیل جبران خسارت ناشی از استهلاک است و اگر معادل آن به فروشنده داده شود، کار نابجایی صورت نگرفته است».^{۵۶}

ز- دیدگاه آیت الله محمد تقی بهجت در مسأله کاهش ارزش پول

«منصرف از وجه رایج، مصرف زمان تعیین مهر است و مرجع تشخیص عرف مطلع به قیمت هاست. احتیاط واجب آن است که در صورت تنزل فاحش، به نرخ روز مصالحه شود و فرقی بین دیون نیست».^{۵۷}

ح- دیدگاه آیت الله مرتضوی لنگرودی در مسأله کاهش ارزش پول

اگر قدرت خرید در گذشته بیشتر بوده، همان مقدار خرید به عهده او آمده است و باید بدان پایبند باشد و در صورتی که میان قدرت خرید و گذشته حال تفاوت قیمت زیاد وجود داشته باشد و توافقی هم در بین نباشد، ظاهراً مقدار قدرت خرید را ضامن است و از این جهت بین موارد قرض یا مهر زن ... فرقی نیست و همه یک حکم را دارند».^{۵۸}

۵۴. رک: فرج الله هدایت نیا گنجی، حقوق مالی زوجه، ص ۱۶۲

۵۵. «استفتائات پیرامون کاهش ارزش پول»، مجله دادرسی، شماره ۱۷، آذر و دی ۱۳۷۸، ص ۱۹

۵۶. محمد باطنی، بررسی فقهی و حقوقی تأثیر تورم در باز پرداخت دیون، ص ۶۲.

۵۷. فرج الله هدایت نیا گنجی، حقوق مالی زوجه، ص ۱۶۱

۵۸. رک: مجله فقه اهل بیت (ع)، سال سوم، ش ۹، ص ۳۱

۸-۳. بررسی روایات ناظر به عدم مشروعیت جبران کاهش ارزش پول

گروهی بر این باورند که روایات ذیل، دلالت بر نامشروع بودن جبران کاهش ارزش پول دارند:

روایت نخست ناظر به عدم مشروعیت جبران کاهش ارزش پول

«كَتَبَ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ إِلَى الرَّضَا (ع) أَنَّهُ كَانَ لِي عَلَى رَجُلٍ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ وَإِنَّ السُّلْطَانَ أَسْقَطَ تِلْكَ الدَّرَاهِمَ وَجَاءَ بِدَرَاهِمٍ أَعْلَى مِنْ تِلْكَ الدَّرَاهِمِ وَفِي تِلْكَ الدَّرَاهِمِ الْأُولَى الْيَوْمَ وَضِيعَةٌ فَأَيُّ شَيْءٍ لِي عَلَيْهِ الدَّرَاهِمُ الْأُولَى الَّتِي أَسْقَطَهَا السُّلْطَانُ أَوِ الدَّرَاهِمُ الَّتِي أَجَارَهَا السُّلْطَانُ فَكَتَبَ لَكَ الدَّرَاهِمُ الْأُولَى؛^{۵۹}

یونس در نامه ای به امام رضا (ع) می نویسد: ده درهم بستانکارم و حاکم نیز آن درهم ها را امروز از گردش انداخته و درهم هایی عالی تر از آنها را رواج داده است. درهم هایی که من به وی داده بودم، اکنون کم بهایند. اکنون کدام یک از درهم ها بر عهده ی بدهکار است؟ درهم های نخست و از جریان افتاده، یا درهم هایی که امروز رواج دارند؟ حضرت فرمودند: همان درهم های نخست را».

روایت دوم ناظر به عدم مشروعیت جبران کاهش ارزش پول

«عن يونس قال: كتبتُ الى الرضا: أن لي على رجلٍ ثلاثِ آلافِ درهمٍ و كانت تلك الدرهم تنفق بين الناس تلك الايام، فليست تنفق اليوم فلي عليه تلك الدرهم باعيانها او ما ينفق اليوم بين الناس؟ قال: فكتب الي لك أن تأخذ منه ما ينفق بين الناس، كما اعطيته ما ينفق بين الناس؛^{۶۰}

یونس بن عبدالرحمان به امام رضا (ع) می نویسد: از کسی سه هزار درهم طلب دارم، این درهم ها را هنگامی که به وی پرداختم در گردش بوده اند. اما امروز در گردش نیستند. آیا همان درهم هایی که به او پرداختم بر عهده ی اوست یا درهم های در گردش؟ حضرت فرمود: برای تو است همان درهم هایی که امروزه میان مردم در گردش است. همانگونه که درهم های در گردش را در اختیار وی گذاشتی».

روایت سوم ناظر به عدم مشروعیت جبران کاهش ارزش پول

«سأله معاوية بن سعيد عن رجلٍ استقرض دراهم عن رجلٍ وسقطت تلك الدرهم أو تغيرت، فلا يباع بشيءٍ الصاحب الدرهم، الدرهم الاولي أو الجائزه التي تجوز بين الناس. فقال: لصاحب الدرهم: الدرهم الاولي؛^{۶۱}

۵۹. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۸۸

۶۰. همان منبع، ص ۴۸۷

۶۱. همان، ص ۴۸۷

معاویه بن سعید از معصوم (ع) در باره ی کسی پرسید که چند درهم وام گرفته و آن درهم ها اکنون از دور خارج شده یا دگرگون شده اند و چیزی با آنها داد و ستد نمی شود. آیا برای وام دهنده همان درهم های پیشین است یا درهم هایی که در گردش هستند؟ امام فرمود: وام دهنده صاحب در هم های پیشین است نه درهم های دیگر».

چنانچه گفته شد، پدیده کاهش ارزش پول در اثر تورم، در زمان ائمه ی معصوم (ع) وجود خارجی نداشته و به همین دلیل بعید به نظر می رسد که روایتی به صراحت یا بطور ضمنی، دلالت بر قابل جبران بودن یا نبودن کاهش ارزش پول داشته باشد. مضمون روایات یاد شده در مورد خارج شدن پولهای فلزی - سکه های طلا و نقره - از دور بوده و هیچ اشاره ای، حتی به طور ضمنی، به کاهش ارزش پول و افزایش سطح عمومی قیمت کالاها در اثر تورم ندارد. به علاوه، حکم روایات در مورد پول هایی است که علاوه بر ارزش مبادله ای، دارای ارزش مصرفی نیز بوده و در قرار داد وام هم طرفین به هر دو ارزش نظر دارند.

بنابراین، باز پرداخت آن باید به گونه ای باشد که هر دو ارزش را پوشش دهد. اینکه معصوم، در جایی بستانکار را مستحق پول از دور خارج شده و در جایی دیگر وی را شایسته ی دریافت پول رایج می داند، به خاطر رعایت همین مسأله بوده است. لذا نمی توان احکام راجعه به چنین کالاهایی را به اسکناس، که صرفاً دارای ارزش اعتباری است، سرایت داد. زیرا اگر پذیرفته شود که حکم روایات را می توان به پولهای امروزی سرایت داد، پیامد چنین سخنی آن است که فرضاً هرگاه شخصی قبل از انقلاب، صد هزار تومان قرض کرده باشد و سررسید آن بعد از انقلاب و پس از خارج شدن پولهای شاهنشاهی از دور بوده باشد، بستانکار فقط حق دریافت اسکناسهای اولی را دارد.

غیر قابل پذیرش بودن چنین باوری بر همگان روشن بوده و احتیاجی به توضیح ندارد. با این حال مطابق روایات، ائمه ی معصوم در هر مورد با توجه به شرایط مسأله، برای برآوردن هر چه بهتر حق، حکم خاصی را صادر نموده اند. در یک جا، بستانکار را مستحق درهم های خارج از دور و در جای دیگر وی را شایسته ی دریافت درهم های پیش گرفته اند. این امر خود نشان دهنده ی مشروعیت شیوه ای است که می توان در شرایط تورمی برای برآوردن کامل حق بستانکار در پیش گرفت.

نتیجه

یکی از خسارت هایی که ممکن است از تأخیر در انجام تعهد مالی ناشی شود، خسارت کاهش ارزش پول است. دگرگونی در اوضاع و احوال در ارزش کالاها تأثیر خواهد گذاشت؛ مثلاً بیخ در تابستان ارزش زیادی دارد، در حالی که همین کالا در زمستان مشتری ندارد. وجه نقد نیز ممکن است نوسان پیدا کند و شرایط زمانی و یا مکانی در ترقی یا تنزل ارزش آن تأثیر بگذارد و کاهش ارزش پول در دیون، ضمانات و نیز خمس و مضاربه و مانند آن مسئله ساز می شود. در مهریه پولی که یکی از دیون است، و به واسطه اجرای صیغه عقد بر ذمه زوج می آید، این بحث مطرح می شود که اگر زوج پرداخت مهریه را به

تأخیر بیندازد و پس از آن ارزش پول کاهش یابد، زوجه ضرر خواهد کرد. زیرا نمی تواند همانند گذشته از پول خود بهره ببرد.

از آنجا که فقها در صورت کاهش ارزش پول نظرات گوناگونی در خصوص بری الذمه شدن زوج در صورت پولی بودن مهریه داده اند، مبنای این اختلاف نظر از مثلی و قیمی بودن پول ناشی می شود. مثلی و قیمی اصطلاحاتی هستند که نه حقیقت شرعیه دارند و نه متشرعه، یعنی نه در آیه ای آمده و نه در روایتی، بلکه تنها در اجماع فقها در باب ضمان و ادای دیون مطرح کرده اند و قبل از اعتبار چنین اصطلاحاتی، دیون افراد به نحوی ادا می شد تا مدیون بری الذمه گردد. لذا اگر شی مثلی باشد، مدیون هنگام ادای دین، باید مثل آن و اگر قیمی بود، باید قیمت آن را به ذی حق بپردازد.

در مورد پول های جاری قدرت خرید و مالیت آن تمام هستی و قوام آنهاست. به حسب قدرت خرید، مثلی محسوب می شود. وقتی در فاصله زمانی طولانی، بر اثر تورم، ارزش و قدرت خرید حقیقی آن به شدت کاهش پیدا می کند، نقص و خسارت جدی می بیند و هنگام ادای دین، به حسب قدرت خرید حقیقی آن، مثلی محسوب می شود، اما همان قدرت خرید هنگام ادای دین - که تمام هستی و قوام پول به آن است - نسبت به قدرت خرید زمان تحقق دین مثلی محسوب نمی شود.

مهریه انواع مختلفی دارد. از جمله مهریه پولی. با توجه به اینکه بسیار به ندرت پیش می آید که شوهر مهر را نقداً به زن تقدیم نماید و زن هم به ندرت در ابتدای شروع زندگی تقاضای مهر می نماید و از طرفی مهر نیز عندالمطالبه است، در صورت نقدی بودن مهریه و تأخیر در پرداخت آن، بعضی از فقها معتقد به تعدیل مهریه به نرخ روز نمی باشند. آنها معتقدند در پرداخت دیون باید به قدرت خرید اسمی پول توجه شود، نه قدرت حقیقی آن و مهمترین دلیل این گروه مثلی بودن پول می باشد. اما مثلی به شمار آوردن پول بدون در نظر داشتن قدرت خرید دور از واقعیت است. بنابراین اگر هم بپذیریم که پول امروزی مثلی است، قدرت خرید آن در منلیت دخیل است.

در مقابل هم جمعی از فقها که به تعدیل مهریه به نرخ روز نظر داده اند، به خاطر آن است که معتقدند قدرت خرید و مالیت پول نیز بر ذمه مدیون آمده است. لذا زوج باید مهریه را به نرخ روز محاسبه کرده و پرداخت نماید.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ۲- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
- ۳- اخوی، احمد، اقتصاد کلان: کاربردی، تهران، نشر بازرگانی، ۱۳۷۸ش، چاپ چهارم.
- ۴- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۵ش، چاپ هفدهم.
- ۵- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب النکاح، قم، المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى الثمینیة الثانية لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری، ۱۴۱۵ق.

- ۶- ایزدپناه، عبدالرضا، مقاله: «پول و پرسش های جدید فقهی»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، فارسی، شماره هفتم، سال دوم، پاییز ۱۳۷۵ ش.
- ۷- باطنی، محمد، بررسی فقهی و حقوقی تأثیر تورم در باز پرداخت دیون، تهران، ساجد، ۱۳۷۷ ش.، چاپ نخست.
- ۸- بجنوردی (موسوی بجنوردی)، سیدمحمدحسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق.، چاپ نخست.
- ۹- بجنوردی (موسوی بجنوردی)، سیدمحمد، «نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول»، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، مجله رهنمون، ش ۶، پاییز ۱۳۷۲ ش.
- ۱۰- حر عاملی، محمدحسن، وسایل الشیعة الی تحصیل مسایل الشریعة، بیروت، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ ق.، چاپ نخست.
- ۱۱- حلّی، حسن بن یوسف مطهر (علّامه حلّی)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.، چاپ دوم.
- ۱۲- خمینی (امام)، روح الله، ترجمه تحریر الوسیله، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۴- روحانی، سیدمحمدصادق، المسائل المستحدثه، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۴ ق.، چاپ چهارم.
- ۱۵- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷ ش.، چاپ چهارم.
- ۱۶- شمس، سیدحسین، احکام فقهی پول (مصاحبه)، مجله فقه اهل بیت (ع)، قم، ۱۳۷۶ ش، س ۳، ش ۹، جلد ۱.
- ۱۷- شیروانی، علی، ترجمه و تبیین شرح لمعه، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۵، چاپ نخست.
- ۱۸- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۹۰ ق.، چاپ نخست.
- ۱۹- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ش.، چاپ نخست.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، داراحیاء التراث، العربی، ۱۳۷۹ ق.
- ۲۱- عاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۵ ش.، چاپ سوم.
- ۲۲- فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، البرز، ۱۳۷۱ ش.، چاپ نخست.
- ۲۳- فیروزآبادی شیرازی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، الرساله، ۱۴۰۷ ق.، چاپ دوم.
- ۲۴- قانون مدنی ایران، مصوّب ۱۳۰۷ ش.
- ۲۵- قره باغیان، مرتضی، فرهنگ اقتصاد و بازرگانی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۶ ش.، چاپ دوم.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴ ش.، چاپ نخست.
- ۲۷- کرکی، حسین بن عبدالعالی (محقق کرکی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، آل البیت (ع)، ۱۴۱۴ ق.، چاپ نخست.
- ۲۸- محمدی گیلانی، محمد، مقاله: «استفتائات پیرامون کاهش ارزش پول»، مجله دادرسی، شماره ۱۷، آذر و دی ۱۳۷۸ ش.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۸۱ ش.، چاپ سی و سوم.
- ۳۰- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.، چاپ بیست و سوم.

- ۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، مقاله: «محاسبه نرخ تورّم در دیون و مطالبات»، سایت آیت الله مکارم شیرازی، به آدرس:
۴۲۰۸۸۰&mid=۰&catid=۰&lid=https://www.makarem.ir/main.aspx?typeinfo=
- ۳۳- میرزا جواد، تبریزی، صراط النجاه، قم، دار الصدیقه الشهیده (سلام الله علیها)، ۱۴۳۳ق.، چاپ نخست.
- ۳۴- میشکین، فردریک، پول، ارز و بانکداری، ترجمه علی جهانی و علی پارساییان، قم، چاپ مهر، ۱۳۸۵ش.، چاپ پنجم.
- ۳۵- موسایی، میثم، ربا و کاهش ارزش پول، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳ش.، چاپ نخست.
- ۳۶- موگهی، عبدالرحیم، احکام ازدواج، طبق فتاوی و نظریات امام خمینی، تهران، شفق، ۱۳۷۰ش.، چاپ نخست.
- ۳۷- نجفی محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.، چاپ هفتم.
- ۳۸- هدایت نیا گنجی، فرج الله، حقوق مالی زوجه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.، چاپ نخست.
- ۳۹- هاشمی شاهرودی، سید محمود، مقاله: «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲، سال ۱۳۷۴ش.
- ۴۰- یوسفی، احمدعلی، مقاله: «جبران کاهش ارزش پول در دیون و روابط مالی»، مجله اقتصاد اسلامی سال دوم، ۱۳۸۱ش.، شماره ۶.
- ۴۱- _____، مقاله: «بررسی فقهی نظریه های جبران کاهش ارزش پول (قسمت ۲)»، مجله فقه اهل بیت (ع)، ۱۳۸۱ش.، شماره ۳۱.
- ۴۲- سایت اینترنتی: www.Irandoc.ac.ir
- ۴۳- سایت تبیان، گنجینه مذهبی، مرکز تحقیقات فقه قضائیه، پاسخ پرسش شماره ۳۰۶۰۰.
- ۴۴- پایگاه اطلاع رسانی دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت، «احکام خانواده، حکم پرداخت مهریه و دین»، به آدرس: <https://hedayatgar.ir/fa/news/>